

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال دوم، شماره پیاپی ۶، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۲۵

صص ۴۱-۵۵

بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان

مورد مطالعه: زنان ۱۵-۴۰ سال شهر شیراز

جهانگیر جهانگیری، استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز*
ابراهیم مساوات، دانشجوی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

چکیده

امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازهای هر جامعه است. زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه گروه آسیب‌پذیری هستند که امنیت آنها از راه‌های گوناگون در معرض تهدید قرار دارد. احساس امنیت مقوله‌ای فراتر از صرف وجود امنیت در جامعه است که در این تحقیق سعی داریم عوامل مؤثر بر آن را از دیدگاه مکتب کوپنهاگن در میان زنان ۱۵ تا ۴۰ ساله شهر شیراز بررسی کنیم. تکنیک مورد استفاده پیمایش است و داده‌ها از طریق پرسشنامه خودگزارشی جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق گویای این است که عواملی چون: وضعیت تأهل، رضایت از وضعیت ظاهری، حمایت خانواده، چگونگی برخورد دیگران، تعهد مذهبی و... از عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در میان زنان هستند که در این میان حمایت خانواده بیشترین تأثیر را دارد.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، مکتب کوپنهاگن، زنان.

مقدمه

ناهمگونی، برخورد تمدنی در گفتمان نئورالیست‌ها باعث گردید که تردید، ترس و عدم اطمینان جایگزین ایده نظم و اطمینان شود. و همین امر باعث شد که در سطح تحلیل، رهیافت کلاسیک نسبت به امنیت مورد تردید قرار گیرد.

در واقع، پرسشی که ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده بود، این بود که آیا می‌توان هم چنان امنیت را به عنوان مسأله‌ای دفاعی و استراتژیک قلمداد کرد یا باید گستره موضوعی آن را ژرف‌تر و گسترده‌تر کرد؟

نخستین متفکری که روابط کلاسیک بین امنیت و دفاع را مورد تردید قرار می‌دهد، بری بوزان^۲ است که می‌توان او را بنیانگذار مکتب کوینهاگن دانست. وی در آغاز می‌کوشد درباره امنیت نظریه‌پردازی می‌کند. او اعلام می‌کند که امنیت تنها به امنیت ملی (یا امنیت دولت) قابل تقلیل نیست، بلکه امنیت به بخش‌های جدیدی (نظامی، سیاسی، اقتصادی، زیست - محیطی و اجتماعی) باید تعمیم یابد (بوزان، ۱۳۷۸).

ارائه این دیدگاه توسط بوزان این امکان را برای برخی از متفکران و پژوهشگران فراهم کرد که عرصه موضوعی امنیت را به بخش‌های جدیدی (اقتصادی، اکولوژیک، جمعیت‌شناختی، هویتی، ...) تعمیم دهند و مطالعات با ورود به موضوع‌های جدیدی، چون: بین‌المللی، منطقه‌ای، محله‌ای، ملی، گروهی، فردی، جنسیتی، ... از عمق و گستره بیشتری برخوردار گردد.

بنابراین، تجدید حیات مطالعات در زمینه امنیت که با بوزان آغاز می‌شود، مبنای خود را بر نارضایتی‌ها و نیاز تطبیق نظریه‌ها با واقعیت جهان معاصر قرار می‌دهد. این هستی‌شناسی بر این ایده متکی است که حیات دولت‌ها تنها از طریق عوامل نظامی تهدید نشده است، بلکه باید از این پس ملاحظات سیاسی، اقتصادی، زیست -

امنیت در تمام ابعاد زندگی روزانه فرد حاضر است. امنیت عملاً تمام ابعاد زندگی بشر را در برمی‌گیرد. صحبت از امنیت فردی، امنیت ملی، امنیت اجتماعی، امنیت هوایی، امنیت جاده‌ای، امنیت غذایی، ... نشانی از فراگیر بودن امنیت در تمام وجوه زندگی فردی است. در عین حال، انگاره امنیت آن قدر بدیهی و آشکار به نظر می‌رسد که برای تأمل و پرسش درباره آن زحمتی به خود نمی‌دهیم. امنیت وجود دارد و ذاتی جامعه است، اما همان‌گونه که کوستلر^۱ بیان می‌کند: "بدیهی‌ترین چیزها آنهایی هستند که بیشتر نیازمند آزمون و بررسی هستند" (کوستلر؛ به نقل از ولفرز، ۱۹۶۲). بنابراین، امنیت یکی از آن مفاهیم بدیهی است که باید به طور دقیق بررسی شود.

تا دهه هشتاد که مطالعات در حوزه امنیت تحت نفوذ بینشی واقع‌گرایانه قرار داشت، امنیت به عنوان پاسخی برای مسأله بقا درک می‌شد و بر این پیش فرض مبتنی بود که انسان همواره با تهدیدی وجودی رو به روست که امنیت را ضروری می‌سازد. در این برداشت، امنیت در رابطه با بقای فیزیکی دولت - ملت و تهاجم نظامی بالقوه ضد آن تلقی می‌شد. بنابراین، مکتب واقعگرا، امنیت را به مسأله حمایت و دفاع کاهش داده، آن را به منزله موضوع برسازنده مطالعات دفاعی و استراتژیک قلمداد می‌کردند. در واقع، از منظر این مکتب، امنیت به عنوان موضوعی تجربی تا مفهومی در نظر گرفته می‌شد. بدین ترتیب؛ این تحلیل‌ها با ترجیح دادن چشم‌انداز تجربی، بعد بنیادین امنیت؛ یعنی بعد هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه آن را نادیده می‌گرفتند.

در پایان سال‌های هفتاد میلادی، با ظهور پدیده جهانی شدن، فراملی شدن، پیدایش شبکه‌ها، ... خوانش جدیدی از جهان شکل گرفت و مضامین آشوب، بی‌نظمی،

² Buzan

¹ Koestler

تعدی افراد و دستگاه های حکومتی قرار نگیرد. در برخی موارد نیز منظور از امنیت همانا "امنیت اجتماعی" است؛ یعنی طراحی سیستم امنیتی چنان باشد که مال و جان مردم جامعه در امان باشد. در این مفهوم، حفظ جان و مال افراد جامعه از مسؤولیت های مهم هر حاکمیتی محسوب می شود (لرنی، ۱۳۸۳: ۱۳). امنیت اجتماعی توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی و احتمالی است. امنیت اجتماعی زمانی مطرح می شود که جوامع احساس می کنند هویتشان در خطر است.

امروزه نگاه به مسائل و آسیب های امنیتی می تواند از زوایای گوناگونی صورت پذیرد که بخش عمده آن گریبانگیر زنان جامعه است که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند. در واقع، با گسترش جوامع پدیده هایی اعم از افزایش تورم و هزینه های بالای زندگی، فقر، گرانی مسکن و عواملی نظیر آن، مسائل اجتماعی زنان و زمینه های ناهنجاری های اجتماعی آنان را فراهم می کند و این امر موجب احساس ناامنی و فقدان مشارکت زنان در عرصه های مختلف اجتماعی می گردد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

با توجه به توضیحات ارائه شده، مقاله حاضر که مبتنی بر نتایج یک تحقیق میدانی است، می کوشد عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی زنان شیرازی را آشکار سازد.

بیان مسأله و ضرورت تحقیق

سالانه ۲ تا ۴ میلیون زن مورد خشونت واقع می شوند. هر زن در طول عمر خود ۲۰ تا ۳۰ درصد احتمال دارد که در معرض خطر خشونت قرار گیرد. از بین افراد مسن، ۱/۸ میلیون نفر مورد بدرفتاری قرار می گیرند (سازمان

محیطی و اجتماعی را نیز مدنظر قرار داد. از میان عوامل برشمرده، عامل آخر؛ یعنی اجتماعی، نظریه امنیت مکتب کوپنهاگن است که این مقاله سعی بر بهره گیری از آن در عرصه امنیت زنان دارد.

با طرح این مفهوم جدید توسط مکتب کوپنهاگن، سازمان ملل متحد در "گزارش توسعه انسانی" خود در سال ۱۹۹۴، مفهوم امنیت را بازننگری کرده، آن را به مفهوم امنیت انسان تسری می دهد. در این گزارش، سازمان ملل متحد امنیت انسان را با مؤلفه های رهایی از ترس و رهایی از محتاج بودن تعریف کرده است که چهار ویژگی دارد: جهانی، استقلال، آزاد از ممانعت و مردم محوری. بعلاوه، گزارش سازمان ملل هفت دسته بندی ابتدایی را شناسایی کرده است: امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت سلامت، امنیت محیطی، امنیت شخصیتی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی (هوگسن و راتم، ۲۰۰۴: ۱۵۷).

در واقع، "امنیت" یعنی رفع خطر؛ رفع خطر یعنی استفاده بهینه از فرصت. بنابراین، باید چنین نتیجه گرفت که امنیت دارای دو عنصر اساسی تهدید و فرصت است و برقراری امنیت، منوط به رهایی نسبی از تهدید و بهره گیری بهینه از فرصت هاست (خلیلی، ۱۳۸۱: ۴۲۸).

امنیت اجتماعی هر جامعه یکی از نیازهای اساسی است. امنیت در مفهوم عینی آن اندازه گیری فقدان تهدید علیه ارزش هاست؛ در مفهوم ذهنی آن فقدان احساس ترس از اینکه به چنین ارزش هایی حمله خواهد شد (مولر، ۲۰۰۰: ۱).

به هر حال، در دنیای امروز، درخصوص امنیت و مفاهیم آن، برداشت های گوناگونی در جامعه مشاهده می شود که گاهی منظور از آن "امنیت فردی" است؛ یعنی حیثیت و آبروی افراد در امان باشد و مورد تجاوز و

شده، نشان می‌دهد یکی از عمده‌ترین مسائل و مشکلات زنان کمبود امنیت است که این مسأله در ردیف اولین دغدغه‌های زنان قرار گرفته است و چه بسا این امر سبب محدودتر شدن فعالیت زنان در محیط‌های عمومی شده، حضور زنان در شهر را به عنوان یک شهروند فعال با مشکل مواجه می‌سازد (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸: ۱۳۲). به هر حال، نکته درخور توجه این است که بدون شناخت عوامل مؤثر و مرتبط با احساس امنیت در افراد، تأمین امنیت اجتماعی و نظم عمومی در سطح جامعه امکانپذیر نخواهد بود. بنابراین، شناخت این عوامل در ایجاد احساس امنیت اجتماعی، از پیش شرط‌های اساسی در برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی است. مقاله حاضر به همین منظور و در پی شناسایی برخی عوامل تأثیرگذار و مرتبط با احساس امنیت اجتماعی انجام شده است.

مروری بر مطالعات پیشین

هدف از مقاله سیدمیرزایی و همکاران (۱۳۹۰) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (فوت همسر و مطلقه) تحت پوشش سه سازمان حمایتی کمیته امداد امام (ره)، بهزیستی و بنیاد شهید در ابعاد امنیت عاطفی، ارتباطی، مالی و جانی» است. تکنیک تحلیل عامل نشان داد حمایت خانواده، اعمال قانون و توانمندی زنان در امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیر بسزایی دارد. همچنین، در یافته‌ها رابطه بین سازمان حمایتگر و امنیت اجتماعی تأیید شد.

کامران و عبادتی نظری (۱۳۸۹) عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه‌های تهران را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای طبقه اجتماعی، حمایت خانواده، پایبندی به آداب و رسوم

بهداشت جهانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹). در اکثر کشورها بیش از ۲۰ درصد زنان در معرض عواقب منفی و غیر ضروری ناشی از خشونت هستند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۰: ۱۹۸). بررسی‌های انجام شده در برخی از کشورها نشان می‌دهد ۱۰ تا ۱۵ درصد از زنان بیان می‌کنند که توسط شرکای جنسی و نزدیک خود، برای داشتن رابطه جنسی تحت فشار قرار می‌گیرند. در نقاط مختلف دنیا بین ۱۶-۲۵ درصد از زنان از خشونت‌های جسمی توسط شرکای مذکرشان در رنج بوده و حداقل یک زن از هر پنج زن در طول زندگی خود مورد تجاوز و یا در معرض آن قرار گرفته‌اند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۰: ۲۶).

در محیط کار، حقوق زنان آسانتر اجرا می‌گردد، اما آزار جنسی بسیار معمول است. آزار جنسی در محل کار می‌تواند به عنوان استفاده از اقتدار شغلی یا قدرت به منظور تحمیل خواست‌های جنسی تعریف شود؛ مانند هنگامی که به یک کارمند زن گفته می‌شود که یا به یک برخورد جنسی رضایت دهد یا اخراج شود... بر پایه گزارش‌های شخصی، برآورد شده است که در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدت طولانی دچار آزار جنسی می‌گردند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۱۹).

تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، پس احساس امنیت نیز نخواهد کرد. تا زمانی که زنان در مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان‌های عمومی، خیابان و... احساس آرامش نداشته باشند، مسلماً احساس امنیت نیز نخواهند کرد. پس نگرانی از تجاوز جنسی، آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهر و... همگی می‌توانند در احساس امنیت اجتماعی زنان مؤثر واقع شوند؛ به طوری که نتایج طرح نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان کشور که توسط مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری انجام

گزارش کرده‌اند. بدترین وضعیت نیز به امنیت فرهنگی و امنیت اقتصادی تعلق دارد.

نوروزی و فولادی سپهر (۱۳۸۸) در پژوهشی تبیینی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین زنان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج آماری آزمون‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس نظم اجتماعی تأثیر مثبت و مستقیم، و متغیر پایبندی مذهبی تأثیر منفی و معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس نظم اجتماعی و پایبندی مذهبی در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان سهم عمده‌ای داشتند.

زنگی‌آبادی و زنگنه (۱۳۹۰) نیز در مقاله «سنجش احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهرهای کوچک و مرزی»، به نتایج مشابهی با تحقیق نوروزی و فولادی سپهر رسیده‌اند.

نویدینا (۱۳۸۲ و ۱۳۸۵) در مقاله‌ای به تأمل نظری در مفهوم امنیت اجتماعی پرداخته است. وی پس از بررسی وجوه تمایز مفهومی امنیت اجتماعی از امنیت ملی و امنیت عمومی، بیان می‌کند که تحقق امنیت اجتماعی باعث گشایش درهای سازگاری و افزایش مراودات بین گروه‌ها و اقشار اجتماعی گوناگون می‌گردد و در مجموع قضای اجتماعی بازتری را ایجاد می‌کند. براساس نظرات امنیت اجتماعی در بدو تولد با هدف امنیت بخشی برای گروه‌های قومی و مذهبی بزرگ که در سطح فراملی و فروملی نقش آفرینی می‌کردند، طرح شده است.

قومی، سن و اعتماد به عملکرد قانون، پنج متغیر عمده‌ای هستند که بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی دانشجویان زن کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی مؤثرند. این پنج متغیر مجموعاً ۸۹/۵ درصد از تأثیرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

نبوی و همکاران (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹) در مقاله‌ای «تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی» را بررسی کرده‌اند. احساس امنیت اجتماعی افراد در این پژوهش در سه بعد احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی و احساس امنیت سیاسی بررسی شده است. مهمترین یافته‌های تحقیق نشان داد که از مجموع عوامل مطرح شده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت ملی تأثیر افزایش دهنده و دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی، اثر کاهش‌دهنده‌ای بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند. متغیر احساس بی‌قدرتی، به صورت مستقیم بر هویت قومی و به صورت معکوس بر هویت ملی افراد تأثیرگذار است. همچنین، متغیرهای هویت قومی و جنسیت، به ترتیب بر احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد اثرگذارند.

میرزاحسینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی امنیت اجتماعی زنان قم" به بررسی این مقوله پرداخته است. وی می‌گوید پیامدهای عدم امنیت در بانوان، تنها به خود آنها محدود نمی‌شود، بلکه دامنه آن به فرزندان، خانواده‌ها، و در نهایت کل جامعه نیز سرایت می‌نماید. او بر اساس نتایج بیان می‌کند که در مجموع، پاسخگویان سطح متوسطی از احساس امنیت اجتماعی را نشان می‌دهند. همچنین، در بین مقیاس‌های اصلی امنیت اجتماعی، پاسخگویان بهترین وضعیت را در زمینه خانوادگی نشان می‌دهند. آنان در زمینه امنیت سیاسی، امنیت محیطی و امنیت سلامت، وضعیت متوسطی را

گسترش دادند و در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی استفاده کردند. پنج سطح اصلی تحلیل در مکتب کوپنهاگن عبارتند از: سیستم بین‌المللی، خرده سیستم بین‌المللی، واحد^۶، خرده واحد و فرد.

دونا^۷ و دونا (۲۰۰۷) این مسأله را در مهاجرت کردهای عراق به کشورهای اروپای شرقی مطالعه کرده‌اند و کاهش میزان امنیت اجتماعی را در میان مهاجران و همچنین کشورهای مهمان مشاهده نموده‌اند.

ادن-مورفیلد^۸ و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله "از طلاق تا ازدواج مجدد" به بررسی میزان امنیت در میان زنانی که طلاق گرفته و مجدداً ازدواج کرده‌اند، می‌پردازند. نتایج حاکی از این است که این زنان چالش‌های متعددی، بخصوص چالش‌های اقتصادی را تجربه کرده‌اند که همین قضیه تبعاتی مثبت و منفی نیز داشته است. مشکلات اقتصادی مهمترین عاملی بوده است که امنیت زنان را متأثر کرده است؛ اما با این وصف، از آنجایی که تلاش کرده‌اند مسائل مالی را حل کنند، پس از ازدواج مجدد مشکلات مالی کمتری داشته‌اند و در نتیجه، میزان امنیت در میان آنها افزایش یافته است.

کاپریولی^۹ (۲۰۰۴) در بحثی مناقشه انگیز عنوان می‌کند: غالباً فرض می‌شود که امنیت اجتماعی، مفهومی خنثی است و از لحاظ آزادی‌های سیاسی و حقوق انسانی برای مردان و زنان یکسان به کار برده می‌شود. به هر حال پیش فرض‌های مربوط به جنسیت خنثی می‌تواند دارای سوگیری باشد. وی با استفاده از یک مطالعه بین‌المللی و تحلیل درازمدت به این نتیجه می‌رسد که نه حقوق انسانی و نه دموکراسی امنیت اجتماعی زنان را تضمین نمی‌کنند.

کیم^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای مفهوم امنیت اجتماعی را بررسی و سپس ارتباط پدیده مهاجرت را با پایداری منطقه‌ای با استفاده از مفهوم امنیت اجتماعی در آسیای مرکزی و روسیه بیان می‌کند. نتایج تحقیق کیم بیانگر این است که افزایش پدیده مهاجرت به مناطق مذکور موجب شده است که بازار کار ساکنان اصلی دچار مشکل شود و در نتیجه، پایداری داخلی در خطر افتاده و احساس امنیت اجتماعی مردم کاهش یافته است.

الکسیو^۲ (۲۰۱۱) نیز در مقاله‌ای مشابه رویکرد کیم، مفهوم امنیت اجتماعی و مهاجرت را در روسیه بررسی کرده است. نتایج حاصل از تحقیق وی مؤید اظهارات کیم است.

صالح^۳ (۲۰۱۰) در رابطه با هویت و امنیت اجتماعی می‌گوید که جامعه حس هویت مشترک را ارائه می‌دهد و این هویت، اعضای جامعه را قادر می‌کند که خود را "ما" بنامند و موجب می‌شود که افراد یکدیگر را در سطح اجتماعی، ملی و تمدنی و دینی متعلق به یکدیگر بدانند. هنگامی که هویت ملی و دینی با خطر مواجه شود، احساس امنیت اجتماعی افراد جامعه زیر سؤال می‌رود. به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی زمانی خدشه‌دار می‌شود که افراد احساس کنند هویتشان در معرض خطر و یا نابودی است.

پانیک^۴ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان "امنیت اجتماعی" به بررسی این مقوله از دیدگاه مکتب "کوپنهاگن"^۵ می‌پردازد. او می‌گوید در دهه ۱۹۹۰ نظریه پردازان این مکتب باب جدیدی را در مطالعات امنیت اجتماعی گشودند. پیش از آنها این مفهوم صرفاً در مطالعات نظامی به کار برده می‌شد، اما آنها این مفهوم را

¹ Kim

² Alexseev

³ Saleh

⁴ Panik

⁵ Copenhagen

⁶ unit

⁷ Duna

⁸ Eeden-Moorefield

⁹ Caprioli

چارچوب نظری

از منظر جامعه‌شناسی سطوح متعددی برای امنیت در نظر گرفته شده است که مهمترین آنها امنیت در سطح خرد و کلان است (نادری و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۸). بر این اساس، تعاریف مربوط به امنیت حداقل در سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول تعاریفی هستند که بر تهدید هویت جمعی تأکید دارند. بوزان^۱ امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو گروه خاصی تلقی نموده‌اند. از دیدگاه وی امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی و... در حفظ هستی و هویت خود. در واقع، بوزان امنیت را حالت فراغت از هویت جمعی و گروهی تلقی می‌کند (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۹).

دسته دوم تعاریف، امنیت را به عنوان فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش‌های جامعه می‌دانند. اگر امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان بدانیم، بنابراین می‌توان امنیت اجتماعی را رفع تهدید از عنصر اتصال‌دهنده اعضای جامعه به یکدیگر در نظر گرفت. این نوع تعریف از امنیت شامل:

* امنیت حاصل فضای اجتماعی است؛

* این فضای اجتماعی سطح کلان یا دولت به معنای عام را در بر نمی‌گیرد،

* امنیت اجتماعی فقط به سطح امنیت فرد محدود نمی‌شود؛

* امنیت اجتماعی بر مجموعه‌ای از افراد تأکید می‌کند که عنصر یا عناصری ویژه، مانند: جنسیت، قومیت، مذهب و... آنها را به هم مرتبط می‌سازد؛

* زمانی که ارزش‌های اتصال‌دهنده افراد تهدید گردد، امنیت اجتماعی متزلزل می‌شود (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۹).
دسته سوم از تعاریف، بر فراغت جمعی از تهدیدی که عمل غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد و یا گروهی که در تمام یا قسمتی از جامعه به وجود آورده است، تأکید می‌ورزد (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۹).

از میان دسته‌های مطرح شده، در این تحقیق نظریه بوزان به همراه مکتب کوپنهاگن را به کار می‌بریم. اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای اولین بار در کتاب "مردم، دولت‌ها و هراس" به کار برد. وی امنیت اجتماعی را به قابلیت حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط دانسته است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). وی امنیت اجتماعی را تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج مقوله‌ای امنیت در نظر آورده است. دیگر بخش‌های این رویکرد عبارتند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست - محیطی (پانیک، ۲۰۰۹: ۲۹؛ کیم، ۲۰۰۸).

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۶؛ کالینز، ۲۰۰۲).

نکته‌ای که بوزان با ظرافت به آن اشاره می‌کند، این است که ممکن است در جامعه‌ای امنیت وجود داشته باشد، اما به دلایلی فرد احساس امنیت نکند. وی می‌گوید که احساس ایمنی ذهنی یا اعتماد به دانستنی‌های فشرده، به هیچ روی به منزله وجود امنیت واقعی یا درستی دریافت‌های شخصی نیست؛ برای مثال، اگر فرد مرفهی را در کشوری مرفه در نظر بگیریم، نمی‌توان چندان مطمئن بود که امنیت در مفهوم جامع آن برای وی

¹ Buzan

و از آن به عنوان "ما" یاد می‌کنند. برای مثال، ما مسلمان‌ها، ما زنان و... حال هر عامل و پدیده‌ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد، در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای تهدید امنیت اجتماعی قلمداد می‌گردد (نویدنی، ۱۳۸۲: ۶۴-۶۵).

ویور^۱ - از دیگر نظریه‌پردازان مکتب کوپنهاگن - در کتاب "هویت" می‌گوید که رویکرد پنج بعدی بوزان، امروزه در بافت امنیت اجتماعی غیر قابل قبول است. وی حوزه امنیت را بر حسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می‌گیرد. امنیت اجتماعی در نظریه ویور بخشی از امنیت دولتی به شمار می‌رود، اما به عنوان یک بخش مستقل هم (که بوزان از آن غفلت ورزیده) به آن ارجاع داده شده است. در حالی که امنیت ملی، درگیر و دل مشغول تهدیداتی است که متعرض دولت می‌شوند، امنیت اجتماعی نگران تهدیداتی است که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند. بنابراین، اگرچه دولت اکنون محل و مرجع امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی است، اما اجتماع نیز در حد خود، مرجع امنیت اجتماعی به شمار می‌رود (روی، ۱۳۸۲: ۶۸۲-۶۸۳). با چنین نگرشی امنیت اجتماعی تنها با کاربرد آن برای بررسی گروه‌ها یا واحدهای جمعی که به عنوان واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی شناخته شده‌اند، فهمیده می‌شود و مفهوم امنیت اجتماعی با هر شکل خاص اجتماع سیاسی مانند گروه‌های ملی، گروه‌های قومی یا اجتماعات مذهبی ارتباط پیدا می‌کند. از آنجا که همه جوامع یک تعداد از گروه‌های با هویت خاص خود را دارند (مثل زنان)، بنابراین، این گروه‌ها، واحدهای ابتدایی تحلیل امنیت اجتماعی به حساب می‌آیند (نبوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳).

تأمین گردد، چرا که هر یک از افراد جامعه اعم از غنی و فقیر به طور نسبی در معرض تهدیدات مختلفی، از جمله: تهدیدات طبیعی (مانند زلزله، قحطی، سیل)، تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (سرقت یا تخریب اموال، عدم اشتغال)، تهدیدات حقوقی (زندانی شدن، فقدان آزادی بیان)، تهدیدات موقعیتی (از دست دادن شغل، تنزل رتبه)، تهدیدات اجتماعی (نبود اعتماد، فقدان تعهد، از دست دادن آبرو و ارزش‌های اخلاقی)، تهدیدات فرهنگی (عدم دسترسی به دانش و معرفت، تضعیف الگوهای فکری- رفتاری) قرار می‌گیرند (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶).

به عقیده بوزان، عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند، ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز هویت خود، متغیر باشند. به عقیده بوزان، این عوامل ممکن است شامل ممنوعیت به کارگیری زبان، نام‌ها، لباس‌ها، بستن مکان‌های آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع باشند. بنابراین، برخی از تهدیداتی که متوجه امنیت اجتماعی جامعه می‌شوند، ممکن است نظامی باشند، مانند کشتن اعضای گروه و فتح قلمرو تاریخی آنها، اما برخی دیگر نیز ممکن است غیر نظامی باشند، مانند محروم کردن از حقوق، زبان و آزادی دینی و شیوه پرستش (صالح، ۲۰۱۰: ۲۳۱؛ کیم، ۲۰۰۸: ۵-۶).

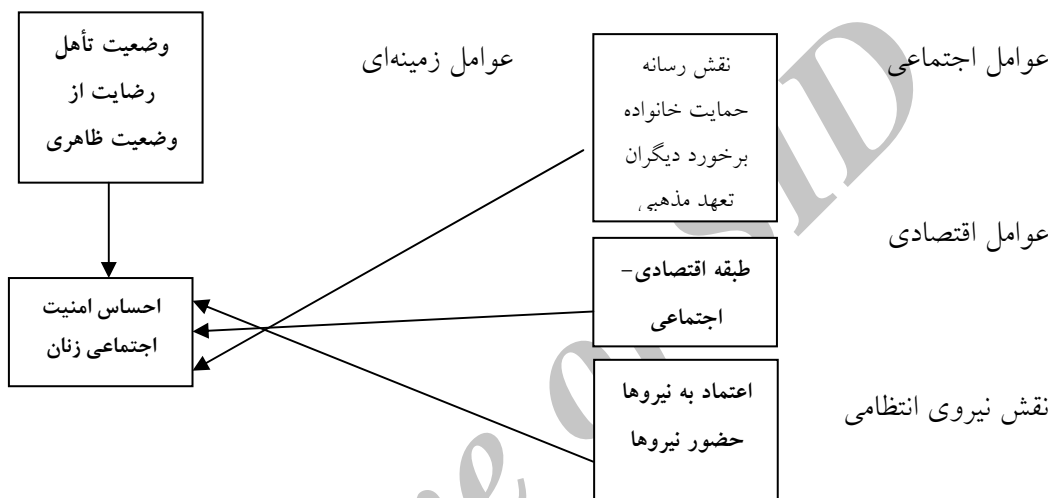
به طور کلی، از نظر بوزان آنچه باعث می‌شود گروه اجتماعی سامان گیرد، احساس وابستگی و تعلقی است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آنها کلیت یکپارچه‌ای می‌بخشد که مبنای تعریف اعضا از هستی خویش خواهد بود و شناسایی دیگران به عنوان بیگانه و خارجی. پس گروه اجتماعی آن کلیت خاصی است که به دلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال به وجود آمده است

¹ Waever

امنیت در آنها دخیل باشند؛ چنانکه این عوامل می‌توانند بر حقوق زنان، آزادی بیان و آزادی دینی تأثیرگذار باشند و به انواع تهدیداتی که بوزان به آن اشاره می‌کند، منتهی شوند.

طبق نظریات مکتب کوبنهاگن، زنان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که هویت مخصوص به خود را دارند. عوامل متعددی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ها، تعهد مذهبی و... می‌توانند در ایجاد احساس

مدل تحقیق



حاضر برای اطمینان از وجوه گوناگون اعتبار پرسشنامه و به دست آوردن اعتبار صوری، از نظرات و راهنمایی‌های برخی متخصصان و اساتید جامعه‌شناسی کمک گرفتیم. همچنین، برای سنجش پایایی ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است.

تعریف مفاهیم و عملیاتی نمودن متغیرها متغیرهای مستقل

* **وضعیت تأهل:** منظور این است که آیا پاسخگو ازدواج کرده یا مجرد است. برای سنجش آن یک سؤال مطرح شد.

* **رضایت از وضعیت ظاهری:** هدف از سنجش چنین متغیری این بوده است که پاسخگویان خود را زیبا می‌دانند یا خیر. برای سنجش این متغیر پرسش‌هایی در

روش تحقیق

این پژوهش با روش پیمایشی انجام و اطلاعات مورد نیاز با تکنیک پرسشنامه خود گزارشی جمع آوری شد. واحد تحلیل خانوارهای شهر شیراز است. همچنین، واحد مشاهده زنان و دختران ۱۵ تا ۴۰ ساله خانوارهای شیراز بودند. در تحقیق حاضر، با استفاده از محاسبات انجام شده توسط لین^۱، حجم نمونه با ضریب پایایی ± 5 ، ضریب اطمینان ۹۵ درصد و واریانس جمعیت ۵۰-۵۰ درصد، برابر با ۳۸۳ نفر محاسبه شد. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای بود. در این مطالعه ابتدا بین مناطق نگهدارنده شهر شیراز، تعدادی حوزه بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و سپس بین این حوزه‌ها تعداد نمونه لازم به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردید. در مطالعه

¹ Lin

است که فرد علاوه بر اعتقاد به مبانی دینی، رفتار و ظاهر دینی نیز داشته باشد و بخصوص اینکه دین در نحوه پوشش پاسخگویان چه تأثیری دارد. برای سنجش آن از ابعاد مناسکی (مثل نماز، روزه و...) و پیامدی مذهب (مثل رعایت حجاب، میزان آرایش کردن و...) پرسش‌هایی صورت گرفت. پایایی این متغیر ۰/۷۲ بود.

*** طبقه اقتصادی - اجتماعی:** نظام قشربندی اجتماعی، افراد را بر حسب میزان برخورداریشان از کیفیت‌های مطلوب، رتبه‌بندی کرده، آنها را در طبقات اجتماعی متناسب با وضعیتشان جای می‌دهد (کوئن، ۱۳۸۵: ۱۷۸). برای سنجش طبقه هر فرد از متغیرهایی، نظیر: شغل پدر/ همسر، درآمد خانوار، میزان تحصیلات پدر/ همسر، نوع منزل مسکونی و منطقه سکونت استفاده گردید.

*** اعتماد به نیروی انتظامی:** منظور میزان اطمینان اشخاص به مأموران نیروی انتظامی به عنوان ایجادکنندگان امنیت و نه کسانی که هراس ساز هستند، بوده است. از ۴ گویه برای سنجش این متغیر فاصله‌ای استفاده گردید و پایایی ۰/۸۴ بود.

*** حضور نیروی انتظامی:** عملکرد پلیس به عنوان ابزار کنترل بیرونی افراد می‌تواند در ایجاد احساس امنیت اجتماعی مؤثر باشد که شامل در دسترس بودن، حضور مستمر در محیط‌های عمومی و رضایت از عملکرد است (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱؛ به نقل از نبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۳). برای سنجش متغیر مذکور از ۵ گویه استفاده شده است. پایایی این متغیر ۰/۸۸ بود.

متغیر وابسته

*** احساس امنیت اجتماعی زنان:** در این پژوهش، منظور از احساس امنیت اجتماعی آن است که زنان با حضور در اجتماع، در محیط کار، در مکان‌های عمومی، خیابان و... تا چه حد اطمینان دارند که امنیت آنها تأمین می‌شود و ترس و نگرانی احساس نمی‌کنند. احساس

خصوص ذهنیت پاسخگو نسبت به اندام، قد، وزن و... خود مطرح شد. پایایی برابر با ۰/۷۹ بود.

*** استفاده از رسانه‌های گروهی:** برخی از نظریه‌های مربوط به ترس از جرم (احساس ناامنی) بر تأثیر رسانه‌های جمعی در افزایش ترس از جرم تأکید ورزیده‌اند. هیث و گیلبرت^۱ مشخص کردند که رسانه‌ها بر احساس ناامنی مردم مؤثر هستند، اما این اثر تحت تأثیر عوامل متعددی شامل حس نگرانی یا تصادفی بودن جرم و ویژگی‌های مخاطب است (زنگی آبادی و زنگنه، ۱۳۹۰: ۴۷). از هفت متغیر جهت سنجش تأثیر رسانه‌ها استفاده شد و پایایی برابر با ۰/۸۱ گردید.

*** حمایت خانواده:** مقصود میزان ارتباط متقابل پاسخگو و خانواده است که تا چه اندازه فرد را تحت پوشش و مواظبت خود قرار می‌دهند. سؤال‌هایی چون: هنگام بیرون رفتن با یکی از اعضای خانواده می‌روم، خانواده‌ام بر روی من تعصب دارند و... مطرح شد. پایایی ۰/۷۳ بود.

*** نحوه برخورد دیگران:** نحوه برخورد واقعی دیگر افراد جامعه، بخصوص مردان و تلقی پاسخگویان نسبت به رفتار آنها مدنظر بوده است. با سؤال‌هایی از قبیل: در ارتباط با دیگران با جنس مؤنث راحت‌ترم، از جنس مذکر می‌ترسم، هنگام تاکسی رفتن ماشین‌های دیگر مزاحم من می‌شوند و... مورد سنجش قرار گرفت و پایایی ۰/۸۶ به دست آمد.

*** تعهد مذهبی:** به دو طریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران بازشناخت: یکی از طریق پایبندی و التزام دینی‌اش، و دیگری از پیامد دینی و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او. پس دینداری به بیان کلی؛ یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (نوروزی و فولادی، ۱۳۸۸: ۱۴۸). در این تحقیق، منظور از تعهد مذهبی این

¹ Heath and Gilbert

برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و وابسته از ضریب همبستگی استفاده شده است و برای آزمون مقایسه میانگین‌ها از آزمون T (برای مقایسه دو میانگین) و از آزمون F (برای مقایسه بیش از دو میانگین) استفاده شده است.

جدول ۱ ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای مستقل در سطح سنجش فاصله‌ای را با احساس امنیت اجتماعی زنان نشان می‌دهد. آمارهای جدول نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین ۵ متغیر حمایت خانواده (۰/۳۰۹)، نحوه برخورد دیگران (۰/۱۸۷)، تعهد مذهبی (۰/۲۴۶)، اعتماد به نیروی انتظامی (۰/۳۰۱) و حضور نیروی انتظامی (۰/۳۱۲) با احساس امنیت اجتماعی زنان وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش حمایت خانواده، نحوه برخورد دیگران، تعهد مذهبی، اعتماد به نیروی انتظامی و حضور نیروی انتظامی، احساس امنیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه‌ها حداقل در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده و تأیید شده‌اند. از سوی دیگر، متغیرهای رضایت از وضعیت ظاهری (۰/۲۲۷-) و استفاده از رسانه‌های گروهی (۰/۲۱۲-) رابطه معکوس معناداری با متغیر وابسته دارند؛ بدین معنا که هرچقدر رضایت از وضعیت ظاهری و استفاده از رسانه‌ها بیشتر باشد، احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان کاهش می‌یابد.

امنیت اجتماعی هرگونه نگرانی از تهدید، ترس هنگام تنهایی در خیابان، ترس از حضور در خیابان، به ویژه در شب، عدم اعتماد به غریبه‌ها و غیره را شامل می‌شود (نوروزی و فولادی، ۱۳۸۸: ۱۴۹). برای سنجش این متغیر از ۱۲ گویه استفاده شد و پایایی آن ۰/۸۲ به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین سن جمعیت نمونه ۲۸/۳۴ سال، حداکثر سن ۴۰ و حداقل آن ۱۵ سال است. ۴۵/۲ درصد از کل نمونه را متأهلان و ۵۴/۸ درصد باقیمانده را افراد مجرد تشکیل دادند. همچنین، میانگین احساس امنیت اجتماعی نمونه ۱۶/۹۵ است. شاخص دیگر، ماهیت طبقاتی پاسخگویان است که در سه طبقه بالا، پایین و متوسط، تفکیک شدند. بیشترین تعداد پاسخگویان؛ یعنی ۷۳ درصد به طبقه میانی، ۱۱ درصد طبقه بالا و ۱۶ درصد هم متعلق به طبقه پایین جامعه بودند. همچنین، نتایج نشان می‌دهند که میانگین تحصیلات پاسخگویان ۱۲/۷۴ کلاس است که نشان می‌دهد پاسخگویان از میانگین سواد بالایی برخوردارند. میانگین درآمد خانوار پاسخگویان ۳۴۵/۵۰۰ بود که بیانگر میزان درآمد متوسط رو به پایین است. در پایان نتایج بیان می‌کنند که ۸۱ درصد پاسخگویان غیر شاغل و مابقی شاغل هستند.

جدول ۱- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و احساس امنیت اجتماعی زنان

ضریب همبستگی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معناداری
رضایت از وضعیت ظاهری	۱۷/۱۲	۳/۴۲	-۰/۲۲۷	۰/۰۴۰
استفاده از رسانه‌های گروهی	۶/۱۶	۵/۲۸	-۰/۲۱۲	۰/۰۳۱
حمایت خانواده	۸/۵۲	۱/۶۳	۰/۳۰۹	۰/۰۰۰
نحوه برخورد دیگران	۲۳/۶۳	۳/۸۵	۰/۱۸۷	۰/۰۴۰
تعهد مذهبی	۱۷/۶۵	۳۵/۴	۰/۲۴۶	۰/۰۳۳
اعتماد به نیروی انتظامی	۶/۳۸	۲/۴۲	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰
حضور نیروی انتظامی	۱۶/۴۱	۳/۰۸	۰/۳۱۲	۰/۰۰۰

بیشتر از افراد مجرد (۱۶/۳۶) است. این تفاوت بر اساس آزمون T و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۳) در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۲ آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل پاسخگویان را نشان می‌دهد. با توجه به آماره‌های موجود در جدول، میانگین نمره احساس امنیت اجتماعی برای متأهلان (۱۷/۶۲)

جدول ۲- آزمون تفاوت میانگین بر حسب وضعیت تأهل پاسخگویان

متغیر مستقل	میانگین	انحراف استاندارد	T	سطح معناداری
مجرد	۱۶/۳۶	۲/۸۴	-۲/۹۸	۰/۰۰۳
متأهل	۱۷/۶۲	۳/۷۶		

آن طبقه پایین (۱۶/۶۷) و بالا (۱۵/۸۰) است. این تفاوت بر حسب آزمون F و سطح معنی‌داری (۰/۰۳۳) در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۳ آزمون تفاوت میانگین بر حسب طبقه اقتصادی- اجتماعی افراد را نشان می‌دهد. همان‌طور که آماره‌های نشان می‌دهند، بیشترین میانگین احساس امنیت اجتماعی ابتدا متعلق به طبقه متوسط (۱۹/۸۳) و پس از

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین بر حسب طبقه اقتصادی- اجتماعی

متغیر مستقل	میانگین	انحراف استاندارد	F	سطح معناداری
طبقه بالا	۱۵/۸۰	۲/۸۳	۲/۴۶	۰/۰۳۳
طبقه متوسط	۱۹/۸۳	۴/۲۶		
طبقه پایین	۱۶/۶۷	۲/۸۷		

خانواده با مقدار $\text{Beta} = ۰/۲۵۹$ و $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ بیشترین ارتباط را با احساس امنیت اجتماعی دارد. پس از آن متغیرهای نحوه برخورد دیگران، رضایت از وضعیت ظاهری و... قرار دارند. در مجموع، متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی قادرند ۶۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند

تحلیل رگرسیون

در مقاله حاضر، از آماره رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شده است. در این روش متغیرهای مختلف به ترتیب میزان اهمیت در تبیین متغیر وابسته وارد معادله می‌شوند. جدول ۴ عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای تبیین متغیر احساس امنیت اجتماعی را نشان می‌دهد. چنانکه در جدول مشخص است، متغیر حمایت

جدول ۴- متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس احساس امنیت اجتماعی زنان

مرحله	متغیر	B	Beta	T	سطح معنی داری	R2
اول	حمایت خانواده	۰/۴۹۷	۰/۲۵۹	۴/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۲۹
دوم	نحوه برخورد دیگران	۰/۳۸۵	۰/۲۱۹	۳/۲۵	۰/۰۰۰	۰/۴۳
سوم	وضعیت ظاهری	۰/۳۱۷	-۰/۱۹۲	۳/۰۷	۰/۰۰۰	۰/۵۱
چهارم	حضور نیروی انتظامی	۰/۲۸۵	۰/۱۷۱	۲/۷۹	۰/۰۰۲	۰/۵۵
پنجم	تعهد مذهبی	۰/۲۴۳	۰/۱۵۲	۲/۶۱	۰/۰۰۳	۰/۵۹
ششم	اعتماد به نیروی انتظامی	۰/۲۲۲	۰/۱۴۵	۱/۸۷	۰/۰۰۳	۰/۶۱
هفتم	استفاده از رسانه‌های جمعی	۰/۱۹۸	-۰/۱۳۲	۱/۵۴	۰/۰۰۴	۰/۶۲

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق به منظور بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در سطح شیراز صورت گرفت. ۳۸۳ نفر برای نمونه از جامعه آماری انتخاب گردید. در بخش نظری از نظریات اندیشمندان مکتب کوپنهاگن استفاده نمودیم و منظور خود را از مفاهیم مطرح شده بیان کردیم. در کلیدی‌ترین تعریف، احساس امنیت به عنوان فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرند و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع تعریف گردید. براساس مدل تحقیق فرضیاتی مطرح شد که همگی آنها در سطح حداقل ۹۵ درصد تأیید شدند. نتایج تحقیق در ارتباط نظری با دیدگاه‌ها و نظریات مطرح شده گویای پیوند منطقی بین سطح نظری تحقیق و سطح تجربی آن است. در این مقاله ۹ متغیر استفاده شد که همگی آنها تأیید شدند. بر اساس نتایج، رابطه معناداری بین وضعیت تأهل ($T = -2/98$)، رضایت از وضعیت ظاهری ($r = -0/227$)، استفاده از رسانه‌های گروهی ($r = -0/212$)، حمایت خانواده ($r = 0/309$)، نحوه برخورد دیگران ($r = 0/187$)، تعهد مذهبی ($r = 0/246$)، طبقه اقتصادی-اجتماعی ($F = 2/46$)، اعتماد به نیروی انتظامی ($r = 0/301$)، حضور نیروی

انتظامی ($r = 0/312$) با احساس امنیت اجتماعی زنان وجود دارد. همچنین، بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی می‌توان گفت ۶۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی قابل تبیین است. در پایان با توجه اطلاعات به دست آمده می‌توان چند پیشنهاد داد: اول اینکه تلاش شود محتوای رسانه‌های جمعی به سمت و سویی کشیده شود که از ایجاد رعب و وحشت در مخاطبان جلوگیری شود؛ چراکه به گفته هیث و گیلبرت هرچه محتوای رسانه‌ها، بخصوص تلویزیون با خشونت بیشتری همراه باشد، عدم امنیت بیشتری ایجاد می‌کند (مطابق با مقاله زنگی آبادی و زنگنه، ۱۳۹۰)؛ دوم، خانواده‌ها در ایجاد احساس امنیت برای اعضای خود نقش بسیار فعالی دارند که باید به آن توجه بیشتری گردد (همسو با نتیجه تحقیق کامران و عبادتی نظرلو ۱۳۸۹). برای مثال، چنانکه در یک خانواده پنج نفره، چهار نفر از امنیت جانی برخوردارند، نمی‌توان حکم به امنیت جانی خانواده داد، زیرا عدم برخورداری یک نفر از اعضای خانواده از امنیت، موجب هول و هراس بقیه یا همان ناامنی اجتماعی خواهد شد.

سوم، پایبندی به اعتقادات و مناسک مذهبی، از جمله عواملی است که بر نحوه پوشش و ظاهر بانوان می‌تواند

سیدمیرزایی، م. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام)»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۲۸، صص ۷۹-۱۰۸.

کامران، ف. و عبادتی نظرلو، س. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی زنان دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه‌های شهر تهران»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال سوم، شماره ششم، صص ۴۳-۵۶.

کوئن، بروس. (۱۳۸۵). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: نشر سمت.

گروسی، سعیده. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت)»، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال نهم، شماره دوم، صص ۲۶-۳۹.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

لرنی، منوچهر. (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی امنیت*، تهران: نشر پیام.

میرزاحسینی، حسن. (۱۳۸۸). «بررسی امنیت اجتماعی زنان قم»، *پژوهشنامه استان قم*، صص ۲۳۵-۲۷۲.

نادری، ح. و همکاران. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی شهر اردبیل)»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۲۱، صص ۵۹-۸۷.

نبوی، ع. و همکاران. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره پیاپی ۴۰، ش ۴، صص ۷۳-۹۶.

اثرگذار باشد و به نوبه خود بر احساس امنیت تأثیر بگذارد؛ چراکه پوشش تا اندازه‌ای می‌تواند به عنوان سدی در برابر ایجاد مزاحمت از سوی دیگران عمل کند (همان‌طور که نوروزی و فولادی سپهر ۱۳۸۸ نیز به این نتیجه رسیده‌اند). چهارم، اگر نیروی انتظامی تلاش نماید طوری در سطح جامعه حضور داشته باشد که نه به عنوان نیروی ایجاد ترس، بلکه عاملی برای احساس آرامش مردم باشد، می‌تواند با جلب اعتماد آنان نقش بیشتری را در ایجاد احساس امنیت ایفا کند (همسو با سبحی و همکاران، ۱۳۸۸).

منابع

بوزان، باری. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی به ویراستاری مجتبی عطارزاده تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

خلیلی، رضا. (۱۳۸۱). «مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای اجتماعی یا موضوع امنیت ملی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پنجم، شماره دوم، صص ۴۲۳-۴۴۲.

روی، پل. (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، ترجمه: منیژه نویدنیا، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ششم، ش ۱۹، صص ۵۵-۷۶.

زنگی آبادی، ع. و زنگنه، م. (۱۳۹۰). «سنجش احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهرهای کوچک و مرزی (مطالعه موردی: شهر خواف)»، *فصلنامه دانش انتظامی*، ش ۱۳، صص ۴۱-۶۵.

سازمان بهداشت جهانی. (۱۳۸۰). *بر گرفته از* <http://sociology82.blogfa.com>

سحابی، جلیل، عین فیضی و جمیل صمدی بگه جان. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر عناصر اجتماعی بر امنیت اجتماعی در شهر سنندج»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۵۶-۱۸۲.

- Remarried Women", *Journal of Divorce & Remarriage*, Vol. 47(3/4), p.p. 21-42.
- Hoogensen, G. & Svien Rottem (2004) "Gender Identity and the Subject of Security", *Security Dialogue*, Vol. 35, No. 2, p.p. 155-171.
- Kim, Seongjin (2008) "Concept of Societal Security and Migration Issues in Central Asia and Russia", *CAMMIC Working Papers*, No.2, p.p. 1-20.
- Moller, Bjorn (2000) «B», National, Societal and Human security: Discussion-Case study of the Israel- Palestine Conflict in <http://sociology82.blogfa.com>.
- Panik, Branka (2009). "Societal Security - Security and Identity", *Western Balkans Security Observer*, No. 13, p.p. 29-38.
- Saleh, Alam (2010) "Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security", *Geopolitics Quarterly*, Volume: 6, No 4, p.p. 228-241.
- Wolfers, Arnold (1962). *Discord and Collaboration, Essays on International Politics*, Baltimore, John Hopkin University Press.
- نبوی، ع. و همکاران. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی»، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال دهم، شماره دوم، صص ۹-۳۶.
- نوروزی، ف. و فولادی سپهر، س. (۱۳۸۸). «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، *فصلنامه راهبرد*، سال ۱۸، ش ۵۳، صص ۱۲۹-۱۵۹.
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۵). «تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه‌های امنیت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، ش ۳۱، صص ۵۳-۷۲.
- نیازی، محسن و الهام شفايي مقدم و یاسمن شادفر. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران»، *فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان*، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۳۱-۱۶۰.
- Alexseev, Mikhail (2011). "Societal Security, the Security Dilemma, and Extreme Anti-Migrant Hostility in Russia", *Journal of Peace Research*, 48(4), p.p. 509-523.
- Caprioli, Mary (2004). "Democracy and Human Rights Versus Women's Security: A Contradiction?", *Security Dialogue*, Vol. 35, No. 4, p.p. 412-428.
- Collinz, Alan (2002) "Burma's Civil War: A Case of Societal Security", *Civil Wars Journal*, Vol. 5, No. 4, p.p. 119-134.
- Duna, V. & Dacian, Duna (2007) "War, Migration and Societal Security: The Case of The Iraq Kurdish Diasporas in Europe", *Political Studies*, Vol. 5, No. 2 p.p. 233-245.
- Eeden-Moorefield, B. & others (2007) "From Divorce to Remarriage: Financial Management and Security Among